



۲۰۲۰/۰۶/۰۱



غوټ جانباز

اسرار دیپلوماسی

تاریخ روابط دو جانبه افغانستان و ایالات متحده امریکا

(۱۹۵۵-۱۹۱۹)



قسمت پنجم

نویسندگان: - گ. یژوف - پ. کرپینکو

مترجم: غوث جانباز ترجمه و تخلص: غوث جانباز

محمد نادر خان سفیر افغانستان در پاریس طرح معاهده دو جانبه افغان - امریکا را به سفیر امریکا مقیم پاریس سپرد. اما طرح مذکور پس از رسیدن به واشنگتن ناپدید گردید. (۱۳) کابل در عین زمان به دیپلومات هایی خود در لندن رهنمود های معینی داد. در رهنمود ها ضمناً قید گردیده بود تا با دیپلومات هایی امریکایی روابط حسنه برقرار نمایند و آنها را تشویق کنند تا بالای حکومت خویش فشار بیاورند که افغانستان به رسمیت شناخته شود.

دیپلومات هایی امریکایی در بسیاری از کشورها نمی دانستند چین تماس ها با افغان ها چگونه روشی را اختیار نمایند و از وزارت امور خارجه خویش طالب هدایت می شدند. در رهنمود های واشنگتن به دیپلومات های امریکایی تأکید می شد که هنگام گفتگو با افغان ها از موضوع به رسمیت شناختن این کشور طفره برونند، ولی در بقیه مسائل، روابط دوستانه و نیک را با افغان ها حفظ کنند. (۱۴)

امریکا با تمام بی اعتنائی که در برابر افغانستان نشان میداد، به مجرد آنکه در سال ۱۹۲۴ از امتیازات داده شده به دولت فرانسه در مسأله حفریات باستان شناسی در افغانستان آگاهی یافت، اعتراض خود را در این مورد اعلام نمود. حکومت فرانسه در جواب به اعتراض خاطر نشان ساخت که با نظر واشنگتن موافق است، ولی تعدیلات در معاهده اکنون دشوار است، بنا برین بگذار قرار داد به حال خویش باقی بماند. فرانسه به جانب امریکا پیشنهاد می کرد تا در سه حوزه دیگر که فرانسوی ها در آن اشتغال ندارند به حفریات باستان شناسی پردازد. (۱۵)

شاه امان الله که طرفدار اصلاحات سریع و عصری ساختن کشورش بود، در نیمه اول سال های ۲۰ سده بیستم برخی از اصلاحات را عملی ساخت. اصلاحات در معارف، اعزام جوانان افغان برای تحصیل به خارج از کشور، ایجاد مکاتب اناث (تحت حمایت و توجه مستقیم ملکه ثریا و والده ایشان) نقش برجسته را در مسیر مدرنیزه ساختن کشور بازی کردند. اصلاحات تا حد قابل ملاحظه صلاحیت های حقوقی و تدریسی روحانیون را محدود می ساخت. در کشور وزارت خانه های عدلیه و معارف که باید امور قضایی و تعلیم و تربیه را پیش می بردند تأسیس گردید. زمین های متعلق به اوقاف به مالکیت دولت درآمدند. صلاحیت های حرفوی روحانیون (ملاها) را سپری نمودن آزمون مسلکی تثبیت می کرد. قانون جدید حق زن را برای دریافت میراث تسجیل کرد. خدمت عسکری حتمی و عمومی اعلام گردید. برسر کردن چادری یا رد آن حق خود زنها اعلام شد. سایر اصلاحات برجسته این دوره را که اوضاع موجود کشور را تغییر میداد می توان قرار ذیل برشمرد:

- به رسمیت شناختن مالکیت خصوصی بالای زمین؛

- خرید و فروش زمین؛

- رائج ساختن پرداخت مالیات پولی؛ (۱۶)

- تدوین و ترتیب بودیجه دولتی (برای اولین بار)

سیاست اصلاح طلبانه شاه امان الله باعث بروز نارضایتی ها در کشور می گردید. در نتیجه اصلاحات موقف سنتی مردها در جامعه تغییر می یافت، حقوق و صلاحیت های روحانیون (ملاها) محدود می شد، مصارف دولتی بیشتر می گردید.

هنگام اصلاحات شاه امان الله اروپائی ها و سائر خارجی ها برای فعالیت های تجاری و تشبثی به افغانستان می آمدند و تعداد شان رو به افزایش بود.

در زمان مورد بحث، دسته های معلمین فرانسوی و آلمانی در افغانستان حضور داشته و مصروف تدریس بودند. پس از امضای معاهده تجارتي میان افغانستان و برتانیه کبیر بتاريخ ۵ جون ۱۹۲۲ سفارت خانه های دو طرف در پایتخت های دو کشور شروع به کار نمودند. (۱۷) معاهده مذکور دست افغانستان را در انعقاد معاهدات تجارتي با سایر کشورها آزادتر ساخت. تعداد کشورهائیکه (در آسیا و اروپا) افغانستان با آنها روابط دیپلوماتیک برقرار میکرد رو به افزایش بود. اما موضع امریکا همچنان بدون تغییر باقی مانده بود.

برخلاف مقامات رسمی امریکا، برخی از تجار و حلقهات ذینفع از حکومت میخواستند تا روابط همه جانبه را با افغانستان تأمین کند. خانمی به نام "جین وانکوویر" در سال ۱۹۲۳ به افغانستان سفر کرد. پس از برگشت به امریکا، "وانکوویر" نامه ای به "آلن دالیس" که در آنزمان مأمور وزارت امور خارجه امریکا بود نوشت و از وی خواست تا حکومت امریکا توجه و دلچسپی بیشتری به افغانستان مبذول بدارد آثر به رسمیت بشناسد. (۱۸)

"هیری گوتفیلد" یکی از وکلای مدافع و باشنده سانفرانسیسکو در سال ۱۹۲۶ کمپنی مشترک تجارتي افغان- امریکا را ایجاد کرد. موصوف (به همکاری سناتور "شورتریج" از کالیفورنیا) نیز بر وزارت امور خارجه امریکا فشار می آورد تا افغانستان برسمیت شناخته شود و بدین ترتیب شرایط بهتری برای فعالیت تجار امریکاییها در افغانستان فراهم گردد. "هیری گوتفیلد" در سال ۱۹۲۸ به افغانستان سفر کرد و حتی موفق شد که با شاه امان الله ملاقات نماید و امتیازاتی را برای تجارت مواد سوخت بدست بیاورد.

اما عزل شاه امان الله از قدرت پلان های "گوتفیلد" را برهم زد. (۱۹)

در سال ۱۹۳۱ "ادوارد دلچین" نماینده کمپنی "جون کلیگمان اند ساس" (شرکت مشهور تولید پشم) به کابل آمد و کوشش کرد حق انحصاری تجارت قره قل را بدست بیاورد. قره قل افغانستان در آن ایام در اکثر کشورهای اروپایی سرزبانها بود و بخوبی بفروش میرسید. اما مقامات افغان به این معامله تن ندادند.

در نیمه دوم سالهای ۱۹۲۰، شاه امان الله سعی کرد مواضع بین المللی افغانستان را تحکیم بخشد. او میخواست سرمایه گذاری های خصوصی خارجی در اقتصاد کشور بیشتر شود و کشور به طرف عصری شدن برود. شاه امان الله آرزو داشت شخصاً از نزدیک با طرز زندگی و سیستم اقتصادی کشورهای غربی آشنا شود. روی همین ملحوظ از دسمبر ۱۹۲۷ الی جولای ۱۹۲۸ به سفر طویل المدت جهانی پرداخت. طی این سفر او از کشورهای هندوستان، مصر، ترکیه، ایران، ایتالیا، فرانسه، بلجیم، اتریش، جرمنی، انگلستان، پولند اتحاد شوروی بازدید بعمل آورد. اگر مسافرت به هندوستان را در نظر نگیریم این اولین سفر شاه امان الله بخارج از کشور بود. در پایتخت های دول اروپایی به استثنای لندن از شاه امان الله استقبال با شکوه و گرم صورت گرفت. روسای دولت و پادشاهان بخاطر دعوت از شاه افغان و هیأت همراهش با یکدیگر رقابت میورزیدند و حتی خیر میدادند که تمام مصارف سفر و اقامت را به دوش خود میگیرند. در نتیجه این بازدید های تاریخی شاه امان الله توانست روابط دیپلماتیک را با کشورهای فنلند، لاتویا، لائیبیریا، پولند، سویس، مصر و جاپان تأمین نماید. قبل از آن افغانستان روابط دیپلماتیک را با روسیه (۱۹۱۹)، ایران (۱۹۲۱)، برتانیه کبیر (۱۹۲۲)، ترکیه (۱۹۲۲)، ایتالیا (۱۹۲۲)، و فرانسه (۱۹۲۳) برقرار نماید. (۲۰)

در برنامه مسافرت شاه امان الله بازدید از ایالات متحده امریکا گنجانیده نشده بود. اما هنگام اقامت در روم، شاه امان الله تصمیم گرفت در پروگرام بازدید ها تغییر وارد کند. بتاريخ ۱۳ جنوری ۱۹۲۸ نماینده هیات افغانی در روم به سفارت امریکا اعزام گردیده و خبر داد که شاه افغانستان آرزو دارد رسماً از امریکا بازدید بعمل بیاورد. تلگرامی که متعاقباً به امضای سفیر امریکا در روم به واشنگتن مواصلت کرده بود و در آن از سفر احتمالی شاه افغان خبر داده میشد همه را در آنجا دست و پاچه ساخت. وزیر امور خارجه امریکا "فرانک کیلوگا" در این زمان در واشنگتن نبود، در حالیکه به افغانها باید بلافاصله جواب داده میشد. در کتاب خاطرات زوج "پاولاد" (که از آن قبلاً یادآوری صورت گرفت) آمده است که در راه سفر شاه امان الله به امریکا بیشتر بندش های تخنیکی وجود داشت تا سایر مسایل. تا سال ۱۹۲۸ هیچگاه شاهان و مامورین درباری به ایالات متحده امریکا رسماً سفر نموده بودند. افزون بر آن هزینه های همچو بازدید های پر شکوه نیز در بودیجه دولتی در نظر گرفته نشده بود.

❖ ۱- اصلاحات شاه برای عصری سازی کشور مصارف عظیم می خواهد.

❖ ۲- با آغاز اصلاحات، مخالفت شدید و مقاومت حلقات محافظه کار، روحانیون و سائر اقشار

را در جامعه افغانی بر می انگیزد. مخالفت ها حتی در داخل خانواده شاهی نیز به نظر می

خورند. انتقاد های زیادی در رابطه به تحولات ذیل آغاز می شود:

- به ظاهر شدن زنان بدون چادری در اجتماع ،
- تأسیس مکاتب مختلط دختران و پسران،

○ الزامی ساختن پوشیدن لباس اروپایی در شهر کابل نیز مواردی اند که باعث مخالفت شده است.

○ برنامه آموزشی برای کوچی ها نیز مورد انتقاد قرار گرفت. مطابق این برنامه معلمان مکلف ساخته میشوند تا همراه با کوچی ها تغییر مکان بدهند ...

❖ ۳- اداره شاه امان الله توجه اندکی را برای تأمین نیازهای مادی منسوبین اردو مبذول میدارد. این معضل به نوبه خود تعهد و وفاداری نظامیان را به شخص وی زیر سؤال میبرد.

برخی اسنادی که از طرف وزارت امور خارجه برتانیه کبیر افشاء ساخته شد تصور دلچسپی را از اوضاع افغانستان در اخیر سال های ۲۰ سده بیستم به دست میدهد.

بطور مثال در گزارش جگرن "دوود" ، آتشه نظامی برتانیه در کابل که عنوانی سفیر آن کشور "هیملری" (در کابل) به تاریخ ۲۲ اکتوبر ۱۹۲۸ ترتیب یافته تحلیل مفصل از اوضاع دولتی و جامعه افغانستان بعمل آمده است. سفیر "هیملری" پس از مطالعه گزارش و درک اهمیت آن، گزارش را به وزارت امور خارجه، به لندن ارسال داشته بود.

"گزارش دوود" از چهار بخش تشکیل یافته و هر یک آن ارزیابی دقیقی را از عرصه های مختلف جامعه افغانستان به دست می دهد. محتویات "گزارش دوود":

اوضاع عمومی :

• ۱- پس از برگشت شاه امان الله به تاریخ اول جولای (۱۹۲۸) از مسافرت، اقتصاد کشور نهایت دگرگون گردیده بود. اقدامات شاه (هدف اصلاحات است) بیشتر به نفع دشمنان او هستند. چنین یک اوضاع حالتی را به وجود خواهد آورد که تمام برتری ها به دست سران قیام کنندگان خواهد بود، اگر قیام ها و شورش ها شروع شوند.

• ۲- اردو ناراضی است، ملاها روحیه آشکار خصمانه دارند. مردم در هراس به سر می برند، در صورت بروز اغتشاش در خزانه دولت پول برای تمویل عملیات سرکوبگرانه وجود ندارد. طبقه حاکم در حالت تردد به سر می برد. احصائیه ها و معلومات دست داشته نشان می دهند که سرکوبی اغتشاشات چندی قبل در خوست (۵) میلیون پوند مصرف برداشته بود.

• ۳- همین اکنون اوضاع در خوست و کندهار متشنج تر از هر جای دیگر است. در صورت شروع قیام ها، آنها به نقاط دیگر افغانستان هم گسترش خواهند یافت.

- ۴- احتمالاً قتل شخص شاه را باید بیشتر هراس داشت تا وقوع قیام ها را؛ به دلیل آنکه دشمنان او می توانند بپندارند که اینکار ساده ترست و این مشکل (از میان برداشتن شاه) به سهولت رفع می شود. قتل شاه و شروع شورش ها را باید هر لحظه انتظار داشت.
- ۵- دولت شوراها در تشدید اغشاشات و ناآرامی ها در افغانستان کدام نقشی ندارد .

اردو

:

شاه امان الله هیچگاه توجه لازم را به نیازهای اردو معطوف نداشته است. او هیچگاه اقدامی را برای تقویة وفاداری به شخص خود در میان نظامیان انجام نداد، این موضوع قابل اهمیت و در خور مکث است. هر سرباز ماهانه (۱۴) روپیه از خزانه دولت دریافت میدارد. این مبلغ نهایت تمسخر آمیز است. در گذشته ها عساکر اجازه داشتن برای افزایش عواید خویش، موازی با خدمت زیر بیرق به کارهای دیگر مانند بوت دوزی، سنگ کشی، مزدورکاری، خدمه شخصی و غیره پیدازند. در اداره شاه امان الله کارهای موازی برای سربازان ممنوع قرار داده شده است. کاغوش های فرسوده عساکر از قشله ها برداشته شده ولی در عوض آن چیزی آباد نمی شود. سربازان اکثراً مجبور می باشند در خیمه ها به سر ببرند. وضعیت مذکور مخصوصاً در شب های سرد و هولناک زمستان کابل جانگداز می باشد. خریداری چوب برای تسخین به دلیل قیمتی بودن عملاً ناممکن است. رویه و طرز معاشرت افسران با سربازان نهایت تحقیر آمیز و حتی بی رحمانه است. در چنین اوضاع و احوالی احتمال زیاد می رود که منسوبین اردو از اغتشاشیون حمایت کند.

مالیات :

کمیبود پول و تداوم عدم دسترسی به طرق رفع این معضله جدی علایم بی اعتمادی را نه تنها میان تجار به میان آورده بلکه مأمورین دولتی نیز از آن رنج می بردند. بلندی سطح زندگی مأمورین دولتی با معاشات پائین شان قابل مقایسه نیست:

مأمورین در ویلاها به سر می برند، موتر دارند و لباس هایی قیمتی به تن می کنند . شاه امان الله مبارزه را با رشوه ستانی به راه انداخته است تا بدین ترتیب منابع تجمل گرایی مأمورین را از بین ببرد. تطبیق اصلاحات شاه مصرف بردار هست، موجودیت نمایندگی های دیپلوماتیک افغانستان در کشورهای دیگر یکی از نمونه های مصارف عظیم خزانه دولتی به شمار میرود. حجم گلی پرداخت معاشات خارجی های که در کشور کار می کنند نیز سالانه به ۷۵ هزار پوند میرسد که مبلغ قابل ملاحظه می باشد. مالیات از بابت مصارف نیز رو به افزایش است و مردم آنرا اضافی می دانند.

اصلاحات را که شاه امان الله برای عصری ساختن کشور پیشنهاد می کند برای جامعه افغانی نهایت قبل از وقت است. در نتیجه اصلاحات متذکره از محبوبیت وی به شدت کاسته شد... شاه صرف از حمایت حلقه کوچکی در داخل دربار برخوردار بوده، در حالی که اکثریت مطلق مأمورین دولت و مردم عادی دیگر هی چگونه اصلاحات را نمی خواهند و آنرا مضر می پندارند...

در عین حال شایعات و آوازه هایی که در محلات دور دست میان مردم پخش می شود به حدی حقایق را وارونه جلوه می دهد که برخی افراد حتی عقلانیت شاه امان الله را مورد سؤال می برند...

افغان های فاقد سواد (اکثر افغان ها سواد ندارند) توانایی درک و هضم اندیشه های جدید را ندارند، آنها با سرعت و شدتی که شاه امان الله می خواهد آنرا در عمل پیاده نماید.

تحولاتی که شاه امان الله مشتاق تطبیق آن است با طرز زندگی نود در صد مردم این مرز و بوم سازگاری ندارد.. اصلاحات در میان مردم محبوبیت ندارد. مردم هراس دارند که اصلاحات با زور سر نیزه بالای شان عملی خواهد شد... ملاها دیگر به خوبی می دانند که برای حفظ حد اقل اعتبار و نفوذ قبلی خویش باید بدون هرگونه تعلل به مبارزه پردازند... طوری که دیده می شود شاه کمتر به مسجد می رود... قوت قابل ملاحظه روحانیون هنوز هم در افغانستان پابرجاست. در صورت توسل آنها به شورش ناآرامی ها منحصر به یک ولایت باقی نخواهند ماند. قشر مأمورین خارج از حلقه تنگ درباریان، از شاه امان الله و سیاست اصلاح طلبانه اش معذود کسانی حمایت می کنند... بسیاری از اقدامات اخیر شاه منافع مأمورین دولتی را متضرر می سازد. به طور مثال حذف رسم مروج تعدد زن، تعلیم الزامی برای دختران مأمورین دولتی، مبارزه با فساد اداری و رشوه ستانی و نظارت از سطح زندگی مأمورین و کارمندان دولتی. (۲۳)

در همچو یک دوره حساس و پیچیده تاریخ افغانستان، برتانیه کبیر هدف سرنگونی شاه اصلاح طلب افغان را دنبال می کرد. غریب و عادات امپراتور مآبانه لندن بیشتر از آن بود تا به مساعی افغانستان به خاطر انکشاف و استقلال حرمت بگذارد. انگلیس ها هیچ چیز را فراموش نکرده بودند و هیچ چیز را نبخشیده بودند.

هنگام اقامت شاه امان الله در اروپا شبکه های پروپاگندی برتانوی تصاویر ملکه ثریا را بدون رو سری در جمعی از افراد خارجی جعل نموده در مطبوعات نشر کردند. (۲۴) روحانیون و سائر محافظه کاران که مخالف اصلاحات شاه بودند از تصاویر جعل شده و سایر موارد به ضد شاه امان الله استفاده می کردند و آنرا شرم برای شخص شاه و ملکه و مخالف ارشادات دین اسلام می نامیدند.

شایعات و جعلیات در مورد آنکه گویا شاه "بی خدا" عامل تمام بدبختی ها و مشکلات می باشد سرتاسر کشور را فرا گرفته بود. می گفتند شاه از اروپا با خود ماشینی آورده که از اجساد انسان ها صابون تولید می کند... تبلیغات خصمانه پی در پی تاکید می کردند که گویا شاه ضد اسلام و ضد خدا است. (۲۵)

اوضاعی متشنج باعث بروز شورش ها در شمال و جنوب کشور گردید. در نوامبر ۱۹۲۸ اغتشاش قوم شینواری در شرق افغانستان آغاز شد. قصر شاهی و دفتر قنصلگری برتانیه در شهر جلال آباد به آتش کشیده شد. آتش زدن دفتر قنصلگری برتانیه برای انگلیس ها که برنامه سرنگونی شاه امان الله را طرح ریزی نموده بودند غیر مترقبه بود. شورش ها در شرق به شدت سائر قسمت های کشور را نیز در بر می گرفت. دسته هایی از شورشیان به سوب کابل پایتخت کشور حرکت نمودند. شاه امان الله به اردو امر کرد تا در برابر اغتشاشیون ایستادگی کند، ولی نظامیان برعکس به شورشیان پیوستند و پایتخت عملاً بی دفاع باقی ماند. اما تهدید اصلی را شورشی که در شمال کابل رخ داد در قبال داشت. سرکردگی شورش مذکور را فردی به نام حبیب الله (مشهور به بچه سقاء) که از ناحیه "کلکان" پروان برمیخاست به عهده داشت. لقب "بچه سقاء" بدان معنی بود که حبیب الله از سطوح پائین جامعه برمیخاست. در زندگی حبیب الله اتفاقاتی گوناگونی رخ داده بود: زمانی پیشخدمتی در چاپخانه بود، باری

به ارتکاب سرقت از مغازه یازده ماه را در محبس سپری نمود، زمانی هم پیشه باغبانی داشت. حبیب الله مدتی سه سال را در اردو گذراند و در آنجا تا حد خورد ضابطی رسید ولی هنگام اغتشاش سال ۱۹۲۴ وظیفه اش را ترک نموده و از اردو فرار کرد. دسته های طرفدار حبیب الله کلکانی در ماه نوامبر (۱۹۲۸) به کابل هجوم بردند، جنگ و نبردها طی نوامبر و تمام ماه دسمبر در پایتخت ادامه داشت. امان الله خان تخت شاهی را به برادر بزرگش عنایت الله خان واگذار (عنایت الله خان شوهر دختر ارشد محمود طرزی، وزیر امور خارجه کشور بود) و در آغاز جنوری ۱۹۲۹ با عده ای از طرفداران خود سوار در موتر به قندهار رفت. شاه جدید (عنایت الله خان) صرف سه روز بر تخت باقی ماند و سپس همراه با خانواده اش کشور را ترک گفت. طرفداران حبیب الله کلکانی از موقع استفاده نموده کابل را به تصرف خویش درآوردند. در این میان، شاه امان الله کوشش هایی را به خاطر برگشت به تخت به خرج داد. او توانست لشکری معدودی را که خوب مسلح نبود جمع آوری نموده و برای حصول مجدد تخت رهسپار کابل گردید.

در حومه غزنی مخالفین شاه در برابر لشکر وی قرار گرفته و آن را مغلوب ساختند. شاه مخلوع افغانستان از آنجا عازم هندوستان گردید. پس از رسیدن به شهر بمبی رهسپار ایتالیا شد. پادشاه ایتالیا بدون بروز علاقمندی خاصی از امان الله خان پذیرایی نمود. قابل تذکر است که محمود طرزی، قریب نزدیک و مشاور شاه امان الله سعی کرد تا امان الله را از برنامه حمله بر کابل منصرف بسازد، چون می دانست که نقش اساسی را در برطرفی وی از تخت، برتانیه کبیر بازی نموده بود. (۲۶) اتحاد شوروی نیز به نوبه خود شاه امان الله را فرا می خواند تا تخت را رها نکند و به وی وعده کمک می داد. مسکو در این زمینه عملاً داخل اقدام شد و لشکری ۸۰۰ نفری اردوی سرخ را که یونیفورم نظامیان افغانی به تن داشتند داخل افغانستان ساخت. لشکر شوروی ها را توپخانه و قوای هوایی همراهی می کرد. اما نیروی متذکره کافی نبود و شاه امان الله نیز دیگر از قدرت دست کشیده بود. افزون بر آن، اوضاع بین المللی نیز به سود اتحاد شوروی نبود. مسکو درک می کرد که مأموریتش می تواند عواقب ناگوار و منفی به بار آورد، بنا برین قوای خود را به کشور برگرداند. (۲۷)

حبیب الله کلکانی در این میان خود را امیر اعلام نموده و کشور را بلافاصله در منجلابی از بی نظمی و هرج و مرج مغروق ساخت. تمام گرسی های مهم حکومتی را امیر جدید بدون توجه به ظرفیت ها و توانمندی های مسلکی میان اقارب و رفقای نزدیک خود تقسیم کرد.

از جمله هشت وزیر کابینه حبیب الله چهار تن آن (به شمول شخص خودش) بیسواد بودند. مورد مذکور و همچنان دلایل عدیده دیگر سبب گردیدند تا مقاومت در برابر حبیب الله اوج بگیرد. هسته مرکزی مخالفت ها و مقاومت را گروه مصاحبین تشکیل داد. در این گروه محمد نادر خان و پنج برادر وی محمد عزیز خان، محمد هاشم خان، شاه ولی خان، شاه محمود خان و محمد علی خان قرار داشتند. (۲۸) تحت رهبری و اداره این تشکیل اقوام مختلف متدرجاً برای مبارزه با حبیب الله متحد می گردیدند. مصاحبین محمد نادر خان را به حیث رهبر خود برگزیدند. (۲۹)

ادامه دارد...

*** **

تذکر: هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمایی شوند!

اسرار دیپلوماسی روابط دو جانبه افغانستان و امریکا(پنج)
Janbaz_Ghaus_asraar_dyplomatie_۵.pdf